

مهر نویافته ساسانی در چین

نعمت‌اله علی محمدی*

دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران باستان دانشگاه تهران

محرم باستانی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران

(از ص ۱۵۳ تا ۱۷۲)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۲/۲۵؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۲/۱۵

علمی-پژوهشی

چکیده

مهرها از جمله اشیاء باارزشی هستند که سابقه بسیار طولانی در تاریخ دارند. بنا بر شواهد باستان‌شناسی قدمت این اشیاء به هزاره ششم قبل از میلاد بازمی‌گردد. چنان‌که از اسناد و مدارک برمی‌آید، مهر در طی ادوار تاریخی تحولات زیادی پشت سر گذاشته است؛ به طوری که طرح‌ها، شکل‌ها، رنگ‌ها و کتیبه‌های آن بنا به شرایط زمانی دست‌خوش تغییر شده و هریک از تعلیقاتش، مفاهیم پیچیده‌ای را در خود کتمان کرده است. مهرها کاربردهای متعددی چون اداری، سیاسی، اقتصادی، دینی، قضایی و غیره داشته‌اند؛ از این‌رو، تحلیل و تفسیر تعلیقات آنها می‌تواند برخی از ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، دینی، فرهنگی و زبانی هر دوره تاریخی را روشن سازد و به سبب دامنۀ اطلاعاتی آنها در حوزه‌های متعدد، گفتار حاضر درصدد آن است تا با بررسی یک نمونه از این آثار که اخیراً در چین یافت شده است، برخی از زوایای آن را روشن سازد و به این پرسش‌ها پاسخ دهد که مهر مکشوفه در چین حاوی چه نوع اطلاعاتی است و کارکرد آن چه بوده است؟ و چرا شاهان یا حاکمان و یا سایر اقشار جامعه از این ابزار استفاده می‌کرده‌اند؟ بررسی‌های مقدماتی در حوزه خط‌شناسی نشان می‌دهد که این وسیله با ارزش مربوط به دوره ساسانی است، ولی کارکرد آن دقیقاً مشخص نیست.

واژه‌های کلیدی: مهرها، ایران، چین، ساسانی، مهر نویافته ساسانی.

۱. مقدمه

تاریخچهٔ مَهرها به سالیان بسیار دور بازمی‌گردد. باتوجه‌به کشفیات باستان‌شناسی، احتمالاً انسان از هزارهٔ ششم پیش از میلاد و اوایل هزارهٔ پنجم، از سکونت‌گاه‌های سنگی خود در دل غارها دست کشید و یکجانشینی را اختیار کرد. پیشرفت تمدن و تغییر و تحولات در ساختار اجتماعی انسان‌ها، موجب شد تا رشد فزاینده‌ای در تمامی ابعاد بشری چون خانه‌سازی، اهلی کردن حیوانات، فعالیت‌های کشاورزی، صنعت سفال‌سازی، کوزه‌گری، تهیهٔ دوک‌های سنگی و گلی برای نخریسی و پارچه‌بافی و ساختن ابزارهای مختلف، حتی لوازم زینتی و آرایشی از انواع سنگ‌ها و مَهرها صورت پذیرد و در نتیجه، بشر توانست در حوزه‌های اقتصادی، تولید کالا، بازرگانی، تجارت، سیاست، قضاوت و... تجارب زیادی به دست آورد. او با تأسی از حس زیبایی‌شناسی، بر روی قطعاتی از استخوان، سنگ، خشت خام و غیره، کنده‌کاری‌هایی را ایجاد کرد و نقوشی را به‌منزلهٔ جایگاه و مالکیت منطقه یا خانواده بر روی اجناس خلق نمود که بدین ترتیب، خواسته یا ناخواسته نخستین مَهرها را به‌وجود آورد. با پیدایش مَهرها و مشخص‌شدن کارکرد آنها، این ابزار توانست جایگاه مهمی در تعیین هویت دولت‌ها و خانواده‌ها، مناسبات تجاری، سیاسی و اقتصادی به دست آورد. مَهر کردن انواع کالاها، ظروف، کوزه‌ها، خمره‌ها، نامه‌ها، اسناد و... علاوه بر اثبات مالکیت، امضای صاحب کالا را نشان می‌داد؛ به‌طوری‌که صحت کالا در دادوستدها، با وجود مَهر صاحب کالا (سازنده یا فروشنده) شناسایی و تأیید می‌شد. به‌مرور، مَهر در امور تجاری و اقتصادی و مالی موجب تسهیلات بی‌شماری شد (ملکزاده بیانی، ۱۳۵۲: ۱-۲) و به دنبال آن نقش سازنده‌ای در تحولات سیاسی، اجتماعی، دینی و قضایی به‌دست‌آورد. از اواسط هزارهٔ سوم تا اواخر هزارهٔ دوم، مَهرها با الهام از صحنه‌های طبیعی، نقوش متعددی به خود گرفتند و به‌نوعی عقاید و خرافات مذهبی را در خود مستتر کردند. این صحنه‌ها و تصاویر، معانی مختلفی با خود داشتند که در متون و اسناد تاریخی به آنها اشاره شده است و باستان‌شناسان در کل آنها را به دو دستهٔ عمدهٔ حیوانی و گیاهی تقسیم کرده‌اند. علاوه‌بر آن، برخی دیگر از اشکال صور فلکی و اساطیری هم با مفاهیم خاصی چون تصویر درخت، بزکوهی یا گاو میش، شاخهٔ درخت، هلال ماه و ستاره، کوزهٔ آب، شاخهٔ دندانه‌دار، تصویر حیوانات اهلی و وحشی مثل گراز، اسب، عقاب، گوزن، ببر، قوچ، شغال، شیر، مار، گراز، گرگ، خرس، فیل، مگس و... (پرادا و دایسون، ۱۳۸۳: ۲۴) تلفیق شدند و به‌ترتیب، با کارکردهای مختلف در ساختار سیاسی و اداری، دینی، اجتماعی،

قضایی و غیره سربرآوردند که شاهان، حاکمان، والیان، رؤسای حرفه و پیشه، تجار و بازرگانان، روحانیان و افسار مختلف اجتماعی برای نشان‌دادن هویت یا تأیید فرمان و اجرای دستور و یا بروز حس مالکیت از آن بهره جستند. از آنجایی که این وسیله کارکرد وسیعی در حوزه‌های متعدد سیاسی و اداری، دینی، اجتماعی، قضایی، تجاری و بازرگانی داشته است، تحلیل و تفسیر تعلیقات آن می‌تواند برخی از ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، دینی، فرهنگی و زبانی، اقتصادی و... هر دوره تاریخی را روشن سازد. با توجه به اهمیت داده‌های اطلاعاتی این ابزار ارزشمند، گفتار حاضر درصدد آن است تا با بررسی یک نمونه از این آثار که اخیراً در چین یافت شده است و احتمال دارد که مربوط به عصر ساسانی باشد، برخی از پیچیدگی و ابهامات موجود آن عصر را تبیین کند و به این پرسش‌ها پاسخ دهد که مهر مکشوفه جدید حاوی چه نوع اطلاعاتی است و کارکرد آن چه بوده است و چرا شاهان یا حاکمان و یا سایر افسار جامعه از این ابزار استفاده می‌کردند؟ بررسی‌های مقدماتی در حوزه خط‌شناسی نشان می‌دهد که این وسیله با ارزش مربوط به دوره ساسانی است، ولی کارکرد آن دقیقاً مشخص نیست.

مقالات و کتاب‌های متعددی در زمینه مهرهای ساسانی چاپ شده و پژوهشگرانی چون بوریسوف لوکونین (۱۹۶۷) دیوید بیوار (۱۹۶۹)، کریستوفر برونر (۱۹۷۸)، فیلیپ ژینیو (۱۹۸۲)، ریکا گیزلین (۲۰۰۷) نیکنامی و سونا نادری (۲۰۱۶) و دیگران به این کار پرداخته‌اند؛ از این رو، می‌توان با تأسی به این آثار و اقتباس از آنها و به دنبال آن، تحلیل و تفسیر و شناسایی مهرها، زمینه شناسایی بیشتر شرایط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ساسانی را فراهم کرد. درباره دانش شناسایی مهرها، کارکردها و نقش‌ها و همچنین تفسیر و تحلیل آنها در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، جزایی، دینی و... به سبب جدید بودنش، اختلاف‌نظرهای زیادی در این حوزه وجود دارد. مهرها به سبب اطلاعاتی که با خود دارند و همچنین در شکل و ظاهر، چنان‌که اشاره شد، به دو دسته حیوانی و گیاهی تقسیم می‌شوند (پرادا و دایسون، ۱۳۸۳: ۲۴ و Niknami & Naderi, 2016: 9-50-55-58-59). درحین حال، با توجه به محتوا، مهرها در دو دسته عمده شخصی و اداری (Niknami & Naderi, 2016: 9) یا تلفیقی از یکدیگر قرار می‌گیرند که این مجموعه‌ها در ذیل خود در زیرگروه‌هایی چون مهرهای ازدواج و بیگانه جای دارند (گوبل، ۱۳۸۴: ۳۸-۴۰). بیوار درباره مهرهای عصر ساسانی می‌نویسد: مهرهای ساسانی از نظر شکلی به دو دسته «نگینی» و «مسطح» تقسیم می‌شوند (Bivar, 1969: 22)؛ گویا منظور او از نگینی، نگین

انگشتر است که شاهان ساسانی برای زیبایی و همچنین رسیدگی به امور درباری و حکومتی در انگشتر خود داشته‌اند و در منابع اسلامی مانند مسعودی (۱۳۷۴) و گردیزی (۱۳۴۷) از آنها سخن گفته شده است. تجزیه و تحلیل این شیء و دستیابی به دامنهٔ اطلاعات آن یکی از دغدغه‌های گفتار حاضر است. در اینجا شایسته است پیش از تحلیل درونی مهر یافت‌شده، جنبه‌های بیرونی (ظاهری) آن مطرح و بررسی شود.

۲. تجزیه و تحلیل ابعاد مختلف مَهرِ یافت‌شدهٔ ساسانی

چنان‌که اشاره شد، اخیراً مَهری در چین یافت شده است که در بررسی‌های اولیه برخی از ابعاد آن شباهت زیادی با مَهرهای عصر ساسانی دارد. جا دارد پیش از اینکه به سایر جنبه‌های تاریخی، باستان‌شناسی و هنری این اثر پرداخته شود؛ برخی از ابعاد ظاهری این شیء با ارزش معرفی و بررسی شود. معمولاً تمامی مَهرها از چند جهت دارای اهمیت‌اند؛ این جنبه‌ها عبارت‌اند از: شکل، رنگ، تصاویر (حیوانی، گیاهی و اشخاص) و کتیبه با گاه‌نگاری یا بدون گاه‌نگاری.



مَهر ساسانی نوبافته در چین

۲-۱. جنس و شکل

مَهر حاضر چنان‌که در تصویر دیده می‌شود، به صورت دایره‌ای و جنس آن از سنگ است. با توجه به کشفیات باستان‌شناسی و اسناد و متون تاریخی، مَهرها در اشکالی چون دُکمه‌ای، نیمه‌گروی، بیضی، مخروطی، مکعب و مستطیل (پرادا و دایسون، ۱۳۸۳: ۲۴) و در قالبی چون گل پخته، سنگ گچ، سنگ مرمر سفید و سنگ مرمر شیری‌رنگ، سنگ آهن، سنگ یمانی قرمز یا خاکستری، سنگ یشم، سنگ سُلیمانی، سنگ لاجوردی و همچنین اُستخوان و عاج و عقیق ساخته شده‌اند.



گوزن دایره‌ای



اسب بالدار نیم دایره‌ای



گاو بیضی



گاو بالدار دایره‌ای



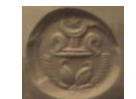
تصویر انسان با نیزه بیضی



چلیپا چهار گوش



صورتک بیضی



ماه و ستاره دایره‌ای



مگس بیضی



شیر و گاو دایره‌ای

نمونه‌ای از مهرها در اشکال مختلف (حیوانی، گیاهی و اشخاص)

ریچارد فرای در این باره می‌نویسد: کلّ مهرهای ساسانی به دو دسته عمده شخصی و اداری تقسیم می‌شوند که اکثر آنها شخصی بوده‌اند (Frye, 1973: 47). این مهرها ممکن است یک کتیبه یا تصویر منفردی از حیوانات، پرندگان یا یک چهره انسانی (پرادا و دایسون، ۱۳۸۳: ۲۴) در خود داشته باشند و کتیبه‌های آنان نیز حاوی نام شخص یا یک آرزو و یا یک آموزه دینی باشد (Frye, 1973: 47). مهرهای اداری نیز تصویر و نقش ندارند و فقط کتیبه‌ای در دو یا سه سطر در مرکز و همچنین کتیبه‌ای در دورتادور خود دارند. این کتیبه‌ها حاوی عنوان و لقب رسمی یک مقام دولتی همراه با یک یا چند نام جغرافیایی هستند که پژوهشگران را در شناخت جغرافیای اداری و نیز سازمان‌بندی اجتماعی، اداری و سیاسی هر عصر یاری می‌رسانند (ده‌پهلوان و قنواتی هندیجانی، ۱۳۹۴: ۴۹). اهمیتی که در این دسته از مهرها وجود دارد، این است که بر روی برخی از آنها از شهرهایی نام برده می‌شود که در هیچ‌یک از اسناد و متون تاریخی و حتی بر روی سکه‌ها از آنها یاد نشده است؛ از این‌رو، بررسی و تعمق در این‌گونه آثار می‌تواند بر دانش باستان‌شناسی و تاریخ بیفزاید (Gyselen, 2007). اما دسته دیگری از مهرهای ساسانی مشهور به «مهرهای نشان» نیز هستند که می‌توان آنها را ترکیبی از مهرهای اداری و شخصی دانست (Niknami & Naderi, 2016: 9)؛ چراکه هم در آنها حروف اختصاری و هم تصویر خاصی مانند یک حیوان به صورت انتزاعی دیده می‌شود. گوبل در نام‌گذاری این دسته از مهرها با بقیه اختلاف نظر دارد و آنها را مهرهای با علائم پرچم نام‌گذاری کرده است (فرای، ۱۳۸۴: ۱۳۸). فرای به تقسیم‌بندی این دسته از مهرهای ساسانی پرداخته و از آنها به‌عنوان منوگرام‌های حرفی، اسامی یا علائم اختصاری درهم‌تنیده‌ای در قالب یک طرح یا الگو یاد می‌کند (Frye, 1973: 54). برخی از آنان بسیار انتزاعی هستند و حروف فارسی میانه در آنها به‌سختی قابل تشخیص است (Frye, 1973: 54). چنان‌که در تصویر دیده شد، مهر یافت‌شده در چین تمامی ویژگی‌ها یا جلوه‌های یادشده را در خود دارد؛ از جمله

دارای کتیبه‌ای است که گویا یک کلمه است و به صورت دایره‌ای در حاشیهٔ مهر حک و همچنین با تصاویر گیاهی و حیوانی آراسته شده است.

آبی فیروزه‌ای



۲-۲. رنگ

چنان‌که از شواهد برمی‌آید، گویا حکاکان، این مَهر را بر روی سنگی آبی یا فیروزه‌ای حک کرده‌اند. حال باید پرسید دلیل انتخاب این رنگ چیست؟ چرا سنگ فیروزه برای این مَهر انتخاب شده است؟ و خاصیت این سنگ چیست؟ در پاسخی گذرا باید گفت براساس روان‌شناسی سنگ‌ها، سنگ فیروزه،

سنگ صلح و آرامش است و قدرت، عشق، دوستی، صداقت، عقل و حکمت را افزایش می‌دهد. چنان‌که از نامش برمی‌آید، مظهر خوش‌یُمی و پیروزی بر نیروی‌های منفی است که به دنبال آن پیروزی، آرامش و امنیت را با خود می‌آورد. به طوری که در روایات عامیانه آمده است، این سنگ موجب شادی در انسان می‌شود و اندوه و افسردگی را از تن آدمی دور می‌کند و در صورتی که همراه انسان باشد، توان و نیروی فرد را افزایش می‌دهد؛ به طوری که انسان کارهای سخت را بدون سستی و تنبلی انجام می‌دهد. در روان‌شناسی رنگ‌ها دربارهٔ رنگ فیروزه‌ای (آبی روشن) آمده است که از اسرارآمیزترین رنگ‌هاست و تأثیر آن در افراد سبب می‌شود تا کارهای شخصی خود را به خوبی انجام دهند و با پشتکار و ثبات قدم امور خویش را اداره کنند.

دلیل انتخاب این رنگ در مهر مورد بررسی دقیقاً مشخص نیست، ولی باتوجه به تصاویر حیوانی و گیاهی و همچنین متن به کاررفته در روی آن (بعداً به تفسیر آن پرداخته می‌شود) و همسانی آنها با یکدیگر، می‌توان دریافت که این مَهر کارکرد دینی داشته و متعلق به یکی از اقشار جامعهٔ ساسانی (احتمالاً روحانیان) است. یکی از وظایف اصلی طبقهٔ موبدان در ساختار طبقاتی ساسانیان علاوه بر برگزاری مراسم مذهبی و دینی، ایجاد صلح و آرامش، افزایش قدرت، عشق، دوستی، صداقت، عقل و حکمت در جامعه بوده است و لذا موبدان سعی داشتند با تکیه بر آموزه‌های دینی، عشق و علاقه، دین و ایمان و احساس برادری را در جامعه شرح و بسط دهند. پوپ در معرفی هنر ساسانی به کاربرد سنگ آبی در تچرها اشاره می‌کند (پوپ، ۱۳۸۷: ۷۲۴/۲-۷۲۷). با این توصیف، می‌توان حدس زد باتوجه به نوع رنگ، تصویر گیاهی و حیوانی و وجود متن حاوی آموزهٔ دینی، این مَهر شاید متعلق به طبقهٔ موبدان یا یکی از خانواده‌های زرتشتی ساسانی بوده است.

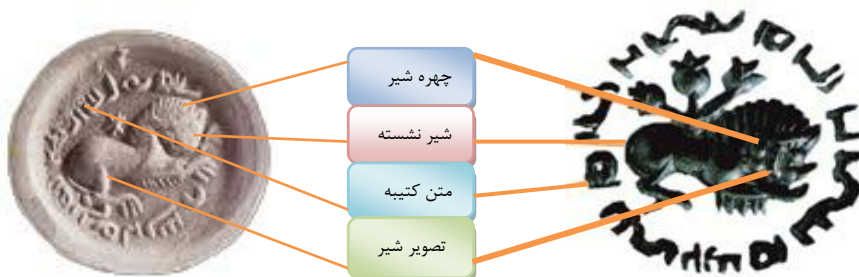
۲-۳. تصویر حیوانی

تصویر حیوانی



تصویر داخل مهر گویای این حقیقت است که سازندگان آن، تصویر مهر را از شیر الهام گرفته‌اند؛ چنان‌که این حیوان را نشسته یا خوابیده تصویر کرده‌اند. در این تصویر چهره شیر به‌طور کامل از روبه‌رو، مانند حجاری‌های تخت جمشید مصور شده است (سامی، ۱۳۴۸: ۱۱۸-۱۱۷)، ولی روی دست و پای آن بی‌سلیقگی خاصی هویداست و نشان می‌دهد که حکاکان نتوانسته‌اند بادقت

تصویر را به‌زیبایی منعکس سازند و زمختی کار به‌خوبی مشخص است. چنان‌که در تصویر دیده می‌شود، دهان شیر به‌نحوی با دست‌ها تلاقی یافته و دست‌های شیر کاملاً در نقش صورت آن گم شده است و سازنده برای اینکه یال شیر را بیشتر مجسم سازد، برخی از آن را در کنار دست‌های جلویی تصویر کرده و بدن شیر را به‌صورت لاغر و نحیف کشیده است که در کنار دم و پاهای عقب به‌شکل بسیار ناپخته در مهر دیده می‌شود.



تطبیق مهر یافت‌شده در چین با نمونه مهر برونر

برونر و نیکنامی و نادری تعدادی از مهرها را با تصویر شیر در کتاب خود آورده‌اند (Brunner, 1978 & Niknami & Naderi, 2016). در برخی از تصاویر کتاب، تصاویر شمایل بهتری از این تصویر دارند؛ چنان‌که برونر در این مورد می‌نویسد: این تصویر گویا یکی از صور فلکی موردتوجه در آیین زرتشتی است (Brunner, 1978: 97).



نمونه مشابه مهر یافت‌شده (Brunner, 1978: 97)

باتوجه‌به اسناد باستان‌شناسی و متون تاریخی، تصویر شیر از جمله نقوشی است که به‌وفور در مهرهای این دوران حک شده است (پرادا و دایسون، ۱۳۸۳: ۲۹). این حیوان در

زیست‌گاه‌های طبیعی ایران همچون فارس، خراسان و کوه‌های دورافتاده لرستان و خوزستان می‌زیسته است. استفاده از نام‌ها و القابی چون شیر اوژن، شیرشکار، شیرگیر و شیروان و غیره نیز خود از سابقه طولانی حضور این جانور در فلات ایران حکایت دارد (پرادا و دایسون، ۱۳۸۳: ۲۸-۲۹).

نقش شیر دارای دو تفسیر مثبت و منفی است؛ نخست، حضور شیر به صورت‌های گوناگون برای دفع نیروهای اهریمنی به‌کار می‌رفته و از طرف دیگر، نمونه‌هایی از پیکره شیر در معابد مهرپرستان دیده شده است که تعدادی از محققان از آن به‌عنوان نماد اهریمن (با حمله به گاو و کشتن آن به‌عنوان نماد ویرانگری) یاد کرده‌اند. دوم، از شیر به‌عنوان نمادی از قدرت، اقتدار، عظمت و شکوه یاد می‌شده است. چنان‌که شواهد باستان‌شناسی و اسناد تاریخی قدمت استفاده از تصویر شیر را به دوران آشور بازمی‌گرداند که مطابق نظر پژوهشگران استفاده از تصویر شیر در آثار دوره هخامنشی جملگی از قدرت، اقتدار، عظمت و شکوه این دوران حکایت دارد (Mitchell and Searight, 2008: 34-36, 159 & (Lukonin and Ivanov, 1990: 18) و تقریباً در هیچ‌یک از آثار ترسیمی این دوره، حکاکان حالت ضعف و شکست ترسیم نکرده‌اند و در نظر شاهان هخامنشی، قدرت و اقتدار شیر باتوجه‌به موضوع در اولویت بوده است.



تصویر حمله شیر به گاو مقدس در حجاری‌های تخت جمشید (خوردشیان، ۱۳۹۰: ۲۳ و رستم‌بیگی، ۱۳۹۰: ۵۶) تصویر شیر در مهرهای هخامنشی (Mitchell and Searight, 2008: 159) و همچنین حجاری‌های ورودی کاخ‌های هخامنشی (Schmidt, 1939, 29-31 & 42)، در مهرهای استوانه‌ای عیلام، مهرهای ساسانی (Lukonin and Ivanov, 1990: 39) پلاک‌های مفرغی لرستان و تچره‌های برجسته (حمله شیر به گاو در زمینه آبی) (پوپ، ۱۳۸۷: ۲ / ۷۲۷-۷۲۴)، به شکل‌های متفاوت دیده می‌شود و در دوران کهن، تصویر شیر مظهر خدای بزرگ رع و آفتاب بوده که معمولاً آن را با تنه شیر و سر انسان و در بعضی با سر قوچ یا باز پرنده- نشان به تصویر می‌کشیدند.



تصویر شیر در کتیبه هیرگلیفی (قائم‌مقامی، ۱۳۴۰: ۴۱۵)

نقش شیر مظهر و نشانه آریایی‌های کهن و به‌ویژه شاخص و سمبل ایران و ایرانی بوده و موضوع شیر بستگی و ارتباطی خاصی با معتقدات آنها داشته است که ملل آن روز جهان هم آن را به‌خوبی می‌شناخته‌اند. شیر، یکی از نمادهای مهری است که از جهات مختلف با مهر و آیین میترا ایسم مرتبط شده (ولی و بصیری، ۱۳۷۹: ۹۶) و به‌عنوان نماد میترا، خورشید، آتش، ابدیت و به‌عنوان نگهبان در این آیین شناخته شده است (Lukonin and Ivanov, 1990: 39-40) و لذا در درجه نخست، به‌مثابه نماد میترا در نظر گرفته شده است؛ به‌طوری‌که آموزگار در این باره می‌نویسد: در اجتماعات آریایی، شیر مظهر ایزد مهر بوده و چون مهر خود سمبل آریایی‌های کهن بوده است، ملل آن روز جهان هم شیر را شاخص و نشان آریایی‌ها می‌دانسته‌اند که بعدها علامت پادشاهان ایران شد (آموزگار، ۱۳۷۴: ۱۹-۲۰). این اعتقاد از تصویر نبرد شیر با گاو در تخت جمشید قوت گرفته است (والزر، ۱۳۵۲: بخش گراور تصویر). احتمالاً شیر، مظهر مهر و روشنایی و گاو، مظهر ماه است (ولی و بصیری، ۱۳۷۹: ۹۶) و دریده‌شدن گاو به دست شیر در تخت جمشید برابر دریده‌شدن گاو به دست مهر در دین مهرپرستی است (Lukonin and Ivanov, 1990: 39-40). جهانگیر قائم‌مقامی با مقایسه صحنه درگیری مهر با گاو (گوشوران افسانه‌ای) معتقد است که آنها از یک منبع و داستان سرچشمه و الهام گرفته‌اند که به عللی تصویر شیر به‌جای صورت مهر گذاشته شده است (قائم‌مقامی، ۱۳۷۴: ۹۲، ۱۰۵ و ۱۱۰)؛ بنابراین، در حجاری تخت جمشید که شیر گاو را می‌کشد، در واقع به‌نشانه پیروزی شیر بر گاو یا مهر است (خوردشیان، ۱۳۹۰: ۲۳). بنا بر روایات، مهر گاو را می‌کشد و با افتادن جسم گاو بر روی زمین، به‌ترتیب خوشه گندم و گیاهان به‌وجود آمدند (مشکور، ۱۳۴۷: ۱۲۶/۱؛ حکمت، ۱۳۴۸: ۱۵۱-۱۵۲ و ولی و بصیری، ۱۳۷۹: ۹۶). به‌نظر می‌رسد که این افسانه برگرفته از داستان گوشورون یا همان روان گاو گات‌ها و مهریشت است (دوستخواه، ۱۳۷۱: ۳۵۴-۳۸۸). در آیین میترا ایسم شیر نمادی از مهر یا همان خورشید است که به‌صورت این حیوان تجلی می‌یابد؛ پس در اینجا شیر، هم به‌عنوان نماد مهر و هم نمادی از خورشید ظاهر می‌شود. علاوه‌براین، شیر به‌صورت نشانه آتش نیز پنداشته شده است (مشکور، ۱۳۴۷: ۱۲۷/۱ و زرین‌کوب، ۱۳۷۳: ۴۷)؛ البته، درباره آتش و نقش آن در آیین میترا ایسم اطلاعات زیادی در دست نیست؛ چنان‌که آمده است، غرض از آتش در این دین کنایه‌زدن به آتش‌سوزی جهان در روز آخرت است (ولی و بصیری، ۱۳۷۹: ۱۰۳) که در آن چشمه‌ای آتشین جهان را به سوختن خواهد کشانید و همه چیز در آن آتش از میان خواهد رفت، ولی خیلی ساده‌تر می‌توان گفت که شیر نماد آتش است و آتش نیز نماد خورشید و این مسئله که خورشید پاک‌کننده همه چیز است (همان)، همان است که آتش همه را در پایان جهان

پاک می‌کند و ناپاکان در آتش می‌سوزند، اما نیکان و پارسایان برجامی‌مانند. همچنین شیر با معنای نمادین آتش که از آیین مهرپرستی شکل گرفته، نشانگر این است که دو عنصر آب و آتش با یکدیگر مبارزه‌ای طولانی و آشتی‌ناپذیر دارند و به این دلیل، سالکانی که در مراحل طریق به مقام شیری رسیده‌اند، برای شست‌وشوی بدن خود از آب استفاده نمی‌کنند و به جای آن عسل به کار می‌برند (ولی و بصیری، ۱۳۷۹: ۱۰۳) و در اصل، پیروان مهرپرستی برای ورود به هر مرحله باید مراسم غسل مختصری به‌جای‌آورند که با عسل است (مشکور، ۱۳۴۷: ۱۲۹/۱ و ولی و بصیری، ۱۳۷۹: ۱۰۳). از دیدگاه آنان عسل نگه‌دارنده تمامی میوه‌هاست و مراد از آن ماده‌ای است که از مرگ‌ومیر جلوگیری می‌کند (ولی و بصیری، ۱۳۷۹: ۱۰۳).

در آیین مهرپرستی، از ورود به جرگه مهردینان تا مراسم تشریف و اهلیت، هفت مرحله است (حکمت، ۱۳۴۸: ۱۵۲-۱۵۳)؛ در این هفت مرحله، به‌ترتیب نام‌های کلاغ، پوشیده، سرباز، شیر پارس، پیک خورشید و پدر، بر سالک و رهرو نهاده می‌شد (ولی و بصیری، ۱۳۷۹: ۹۸- رستم‌بیگی، ۱۳۹۰: ۵۶-۵۵-۵۴-۵۳). منصب شیر، به‌عنوان چهارمین مقام یا مرحله بوده است (مشکور، ۱۳۴۷: ۱۲۷/۱-۱۲۸؛ قائم‌مقامی، ۱۳۷۴: ۱۱۰ و حکمت، ۱۳۴۸: ۱۵۲-۱۵۳). در آثار هنری مَهری باقی‌مانده، نقش شیر فراوان است که این شیرها گاه در حال خدمت‌گزاری هستند و گاه در حال اهدای هدایا به حضور میترا و درهرحال به میترا بسیار نزدیک‌اند؛ از این‌رو، نماد شیر را می‌توان به گونه‌های مختلف ارزیابی کرد: ۱. مظهر مرگ و نیستی؛ ۲. نماد شجاعت و دلاوری؛ ۳. نمادی از ابدیت و جاودانگی؛ ۴. نشانه محافظ و نگهبان و ۵. به‌عنوان علامتی مَهری بر مزار مهرپرستانی که به مرحله شیری رسیده بودند. در نقوشی که شیر جنبه تهاجمی دارد و جانوران دیگر را می‌بلعد، نمایانگر سلطه و قدرت مرگ است بر موجودات زنده و مفهوم نمادین مرگ را بیان می‌کند و پیروشدن بر شیر، یعنی زندگی مجدد. از طرف دیگر، می‌توان آن را به زروان مرتبط دانست؛ از آن‌جهت که شیر قدرت برتری در امر کشتن دارد و سر زوران، خدای زمان را نیز به‌صورت شیر می‌کشیدند که نمادی از قدرت مرگ‌آور زمان بوده است و لذا شاید بتوان شیر را در ارتباط با خدای زمان (زروان)، نماد جاودانگی و زمان بی‌پایان دانست. در نقوش به‌جامانده از پیک یا گردونه خورشید، دیده می‌شود که وی در میان جماعت مَهری نشسته است و درحالی‌که جامه‌ای سرخ بر تن و کمر بند زرین به کمر دارد و گوی آبی‌رنگی در دست گرفته، دست راست خود را به نشانه سلام بالا برده است (ولی و بصیری، ۱۳۷۹: ۱۰۰). تصویر پیک خورشید با گوی آبی‌رنگ را با بلندکردن دست راست به‌نحوی با این مهر می‌توان مرتبط دانست.

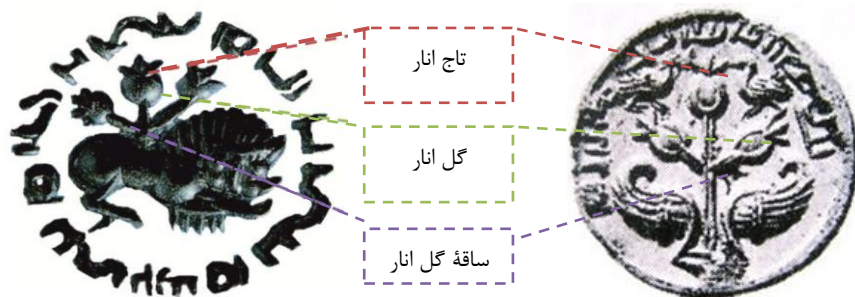
۲-۴. تصویر گیاهی

تصویر گیاهی



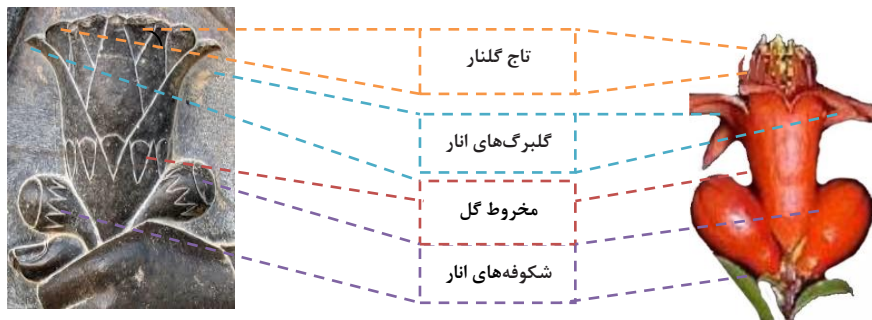
چنان که اشاره شد، در مَهر علاوه بر تصاویر حیوانی، از تصویر گیاهی هم استفاده شده است؛ آن طور که پیداست، گویا حکاکان گل انار را در این مَهر تصویر کرده‌اند، در حالی که برخی دیگر معتقدند تصویر حجاری شده، از زوایای دیگر می‌تواند گل نیلوفر را در ذهن تداعی کند (ر.ک: مبینی و شافعی، ۱۳۹۴: ۱۰۰-۱۰۱)؛ البته

تا سالیان قبل، اکثر باستان‌شناسان بر این باور بودند که تمامی گل‌های حجاری در تخت جمشید به نوعی از گل نیلوفر تجلی یافته‌اند، ولی پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد که دست‌کم برخی از گل‌های حجاری تخت جمشید (به ویژه دوره خشیارشا) باتوجه به ویژگی‌های شکلی از این روند پیروی نمی‌کنند و با شکل و ساختار ظریف گل نیلوفر متفاوت‌اند؛ از این رو، با بررسی‌های دقیق به این واقعیت دست یافتند که حجاران تخت جمشید گل دیگری را که از گل‌های بومی منطقه است، الگوبرداری کرده و در کار خود از آن بهره برده‌اند؛ به طوری که باتوجه به شکل حجاری و ترکیب ساختاری آن، تصویر مندرج را با گل انار یکی می‌دانند. شهبازی به طور کلی با آنچه از قبل به عنوان گل نیلوفر در نظر گرفته شده، مخالف است و در واقع آن را با گل انار یکی می‌داند (ن.ک: شهبازی، ۱۳۸۴)، ولی برخی دیگر بر این باورند که اگر به شاخه‌های پایینی گل‌ها توجه شود، این گل‌ها با ساقه‌ای به پشت شیر چسبیده‌اند که در نوع خود نمی‌تواند گل نیلوفر باشد؛ چراکه ساقه‌های گل نیلوفر به سبب ظریف بودن نمی‌تواند در حجاری‌های منظم و دقیق حجاران به این صورت طراحی شود. از طرف دیگر، برخی معتقدند که شاید در تصویر غنچه‌های گل، حکاکان قصد داشته‌اند غنچه نشکفته گل نیلوفر را در این تصویر طراحی کنند، ولی باتوجه به نظریه شهبازی از لحاظ شکلی این فرضیه خیلی نمی‌تواند منطقی به نظر برسد (ن.ک: همان).



نمونه‌ای از گل انار در تصویر دیگر مَهر نویافته

انار در دین مزدیسنا از درختان مینوی و از عناصر مقدس و خجسته به‌شمار می‌رود و زرتشتیان شاخه و میوه آن را در مناسک و آیین‌های دینی خود به‌کار می‌برند. بنا بر متن‌های متأخر زرتشتی، برسم‌های آتشکده‌ها از ترکه‌های درختان اناری است که معمولاً در آتشکده‌ها می‌کاشتند. بنا بر روایت متون مذهبی زرتشتی، از میوه این درخت برای آرایش سفره عید استفاده می‌کردند. موبد آذرگشسب در این باره می‌نویسد: تمام افراد خانواده قبل از تحویل سال نو ابتدا به گرمابه می‌روند و بهترین لباس خود را به تن می‌کنند و در کنار سفره هفت‌سین یا هفت‌چین می‌نشینند؛ سفره‌ای که با آئینه، گلاب‌پاش، ظرفی پر از نقل سفید، مقداری برگ آویشن، یک دانه سیب، یک دانه انار، یک دانه نارنج و چند عدد سکه آراسته شده است (آذرگشسب، ۱۳۵۸: ۲۴۶).



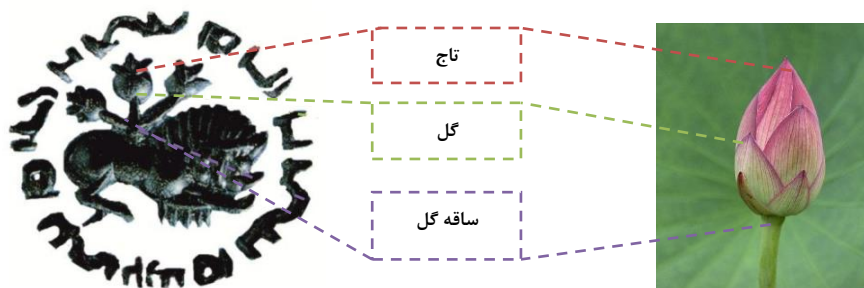
تطبیق شکوفه یا گل انار با جلاری گلنار در تخت جمشید

درخت انار و برسم فراهم‌آمده از ترکه‌های انار را ماه درختی مؤنث دانسته‌اند که در آن رمز و نشانه جاودانگی و باروری نهفته است. شربت مقدس هوم را نیز از شیرۀ شاخه‌های گیاه هوم که با شاخه درخت انار ساییده شده بود، می‌ساختند. در خوان‌های نوروزی و مهرگان، هفت شاخه درخت، از جمله یک شاخه انار می‌گذاشتند (آذرگشسب، ۱۳۴۹: ۴۱) و به آنها تبرک می‌جستند و تفأل می‌زدند. زردشتیان در آیین پیوند همسری دختران و پسرانشان، به نیت و آرزوی باروری و آوردن فرزند به آنان انار می‌دادند (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۱۲۸). انار در دوره ساسانی همواره مقدس بوده و در آیین مذهبی کاربرد داشته است (آذرگشسب، ۲۵۳۶: ۴۱) و از شاخه‌های آن نیز برای ساخت برسم استفاده می‌شده و پُردانگی آن نماد باروری آنهایتا بوده است (خالدیان، ۱۳۸۷: ۲۳). انار، برای رنگ سبز تند برگ‌هایش و نیز برای رنگ و شکل غنچه و گل آن، که داخل برگ پالمت (برگ نخل) است، مختص دوره ساسانی است و در اواخر دوره ساسانی پالمت‌های شکافته‌شده، به‌صورت یک جفت بال درمی‌آیند که نماد باروری و حاصلخیزی است و جنبه روحانی دارد (خالدیان، ۱۳۸۷: ۲۳).



تطبیق گل انار با تصویر گیاهی مُهر (تصویر ۱)

چنان‌که از تصویر ۱ برمی‌آید، تصویر گل انار با تصویر گیاهی مُهر برابری می‌کند، درحالی‌که در تصویر ۲ هیچ‌یک از جنبه‌های ظاهری گل نیلوفر با تصویر گیاهی مُهر همسانی و همخوانی ندارد و اگر هم در برخی ویژگی‌ها با هم ساگاز باشند، از نظر بصری خیلی با یکدیگر سازگاری ندارند.







تطبیق گل نیلوفر با تصویر گیاهی مُهر (تصویر ۲)

۲-۵. متن کتیبه

اگر به تصویر دقت شود، می‌توان دریافت که این مُهر نوشته‌ای پهلوی بر خود دارد و ظاهراً حکاکان مُهر یک واژه را سه بار تکرار کرده‌اند. این واژه در اصل لقب یا کلمه مذهبی یا یک آرزوست که محتوای مُهر و صاحب مُهر را از نظر فکری روشن می‌کند.



۴ 	۳ 	۲ 	۱ 
[TA]	[ZA-or-DA]	[LW]	[AH]
t'	z'-d'	l' w	'h
ت-د	ز-ا-دا	لو	اَه

أهلوزاد = پرهیزکاری

س د ل و ک ر م س د ل و ک ر م س د ل و ک ر م س د ل و ک ر م

hl'wz'd Ahlawdād-t

أهلوزاد - پرهیزکاری

س د ل و ک ر م س د ل و ک ر م س د ل و ک ر م س د ل و ک ر م

hl'wz'd - Ahlawdād-t

«أهلودات - أهلوداد»

hl'wz' d - Ahlawdād-t

«أهلودات - أهلوداد»

hl'wz'd - Ahlawdād-t

«أهلودات - أهلوداد»

«أهلوداد» واژهٔ زرتشتی و به معنی کسی را آگاه کردن یا نادان را آگاه کردن است. اگر به عبارت دینکرد توجه شود که در آن آمده است: «ایشان این را نیز عنوان داشتند که برای مردم سه وظیفه مهم‌تر است: یکی اینکه دشمن را دوست کنید و دروغ‌گو را پرهیزگار کنید و نادان را دانا کنید؛ دشمن را دوست کردن به این معنی است که به دنبال خیر دنیا باشید و با مینویان دوست باشید، دروغ‌گو را اهلوکردن به این معنی است که از گناهی که شما را دروغ‌گو می‌کند، دوری کنید و نادان را دانا کردن به این معنی است که آن‌گونه خود را تهذیب کنید که نادان از شما آموزد» (منتظری و نظری، ۱۳۹۲: ۱۲۷ و Shaked, 1979:322)، می‌توان به آسانی به محتوای کتیبه و کارکرد آن پی برد که چرا حکاکان این عبارت را برای آن انتخاب کرده‌اند.

۳. گذری بر کارکرد مَهرها در عصر ساسانی

چنان‌که اسناد و کشفیات باستان‌شناسی نشان می‌دهد، اولین مَهرها از قلوه‌سنگ‌های کف رودخانه‌ها ساخته شد که طرح‌های هندسی و حیوانات حکاکی‌شده را بر خود داشتند. برخی از مَهرها به شکل حیوانات مختلف مانند جوجه‌تیغی بودند که احتمالاً جنبهٔ جادویی و آیینی داشتند. در ادوار بعدی جنس مَهرها تغییر کرد و گل پخته، سنگ گچ، سنگ مرمر سفید و سنگ مرمر شیری در ساخت آنها به‌کاررفت و به‌تدریج، از سنگ‌هایی چون سنگ آهن، سنگ یمانی قرمز یا خاکستری، سنگ یشم، سنگ سلیمانی، سنگ

لاجوردی و همچنین آستخوان و عاج و عقیق در ساخت مهرها استفاده شد. به مرور با تغییر جنس مهرها، شکل آنها نیز تغییر کرد و در اشکالی چون دُکمه‌ای، نیمه‌گروی، بیضی، مخروطی، مکعب و مستطیل ساخته شدند و بدین ترتیب، صورتی زیباتر یافتند. براساس داده‌های باستان‌شناسی و باتوجه‌به کارکرد مهرها، مهرهای دوره ساسانی را می‌توان براساس نقش و کارکردشان به چند گروه متمایز تقسیم کرد:

- مهرهای شخصی: مهرهایی بودند که هیچ‌گونه محدودیتی در استفاده از آنها برای طبقات مختلف مردم وجود نداشت و افراد بنا بر تمایل خود می‌توانستند یک یا چند عدد از آنها را در اختیار داشته باشند.

- مهرهای رسمی: مهرهایی بودند که افراد مخصوص دربار استفاده می‌کردند و در متون تاریخی از آنها به‌فراوانی یاد شده است؛ به‌طوری‌که آمده است خسروانوشیروان دارای چندین مهر بود که از هر یک از این مهرها برای کار خاصی استفاده می‌کرد. علی سامی در این مورد می‌نویسد: خسروانوشیروان چهار مهر داشت که هر یک با نقش و نگینی خاص آراسته شده بودند؛ یکی از این مهرها برای امور خراجی استفاده می‌شد که نگین آن عقیق و نقش آن «داد» بود، دومی برای کارهای مربوط به املاک با نگین فیروزه و نقش «آبادی» بر آن حک شده بود، سومی برای دستگیری افراد با نگین سمره‌ای‌رنگ و نقش «درنگ» داشت و چهارمی برای امور چاپاری که نگین آن یاقوت آتش‌فام و نقش آن «امید» بود (سامی، ۱۳۴۴: ۳۳) و یک مهر هم شکل گراز داشت که با آن فرمان‌ها و اسناد دولتی را با آن مهر می‌کرد. اگر نامه‌ها مربوط به تعهداتی به سایر کشورها، اعم از مستقل یا نیمه‌مستقل بود، به همراه مهر، کیسه کوچکی از نمک که نمودار نقض‌ناپذیری آن پیمان و تعهد بود، همراه نامه می‌کردند (مسعودی، ۱۳۴۵: ۲۶۲/۱؛ سامی، ۱۳۴۴: ۳۳ و نفیسی، ۱۳۳۱: ۲۷).

گردیزی در این باب در *زین‌الآخبار* می‌نویسد: در خزانه خسروپرویز کیسه‌ای یافتند که در آن نه انگشتی بود که شاه با آن نامه‌ها را مهر می‌کرد؛ یکی از این انگشتی‌ها نگین یاقوت سرخ داشت که روی آن تصویری حک شده بود که دورتادور آن نوشته داشت و کتیبه تصویر شخص را معرفی می‌کرد، شاه با آن منشورها و سجل‌ها را مهر می‌کرد؛ دیگری، نگینی از عقیق داشت و نقش آن جره حواصل (لک‌لک سفید نر) و حلقه آن از زر بود که شاه با آن یادگاری‌ها را مهر می‌کرد؛ دیگری، نگینش از جزع بود و نقش سواری در حال تاختن بر روی آن حک شده بود و حلقه زرین داشت که شاه با آن پاکت‌ها و کیسه‌های پستی مربوط به دربار را مهر می‌کرد؛ دیگری، نگینی از عقیق با تصویر قوچ کوهی بود و حلقه زرین داشت که شاه با آن امان‌نامه‌های گناهکاران را مهر

می‌کرد؛ دیگری، نگینی از یاقوت سرخ که حلقه‌اش با مروارید، مرصع شده بود و نقش جره چرغی را داشت که شاه با آن خزینهٔ جواهر، جامه‌خانه، پیرایه‌ها و بیت‌المال را مَهر می‌کرد؛ دیگری، نقش عُقاب داشت که شاه با آن نامه‌های شاهان را مَهر می‌کرد؛ دیگری، نقش مگس را داشت که شاه با آن نامه‌های قتل و یا آزادی آدمکشان را مَهر می‌کرد؛ دیگری، نگین آهنی داشت که شاه وقتی به گرمابه یا آبزن می‌رفت، آن را به انگشت می‌کرد (گردیزی، ۱۳۴۷: ۳۷ و نیز ن.ک: نفیسی، ۱۳۳۱: ۱۶۷). مسعودی در جلد اول کتاب *مروج الذهب* مَهرهای خسروپرویز را نه حلقه شمارش کرده، می‌نویسد:

۱. انگشتی نقره با نگین یاقوت سرخ به همراه تصویر شاه و شرح و توصیفی از او در حاشیهٔ مَهر، حلقهٔ آن از الماس بوده است که شاه با آن نامه‌ها و سِجَل‌ها را مَهر می‌کرد؛
 ۲. انگشتی با نگین عقیق، نقش آن «خراسان آزاد» که حلقهٔ طلا داشت و شاه با آن یاد داشت‌ها را مَهر می‌کرد؛

۳. انگشتی با نگین جزع، نقش آن سوار بود که حلقهٔ طلا داشت و کلمهٔ «الوحا» بر آن حک شده بود. شاه با آن جواب‌های چاپار را مَهر می‌کرد؛

۴. انگشتی با نگین یاقوت گلی که روی آن نقش «بمال خوشی توان کرد» حک شده بود و حلقهٔ طلا داشت. شاه با آن حواله‌ها و نامه‌های عفو یاغیان را مَهر می‌کرد؛

۵. انگشتی با نگین یاقوت گلی که روی آن نقش «حره و خرم»، یعنی «خرسندی و خوشبختی» حک شده و اطراف آن مروارید و الماس بود و حلقهٔ طلا داشت که شاه با آن خزینهٔ جواهرات و بیت‌المال خاص و خزینه را مَهر می‌کرد؛

۶. انگشتی با نقش «عُقاب» که شاه با آن نامه‌های ملوک آفاق را مَهر می‌کرد و نگین آهن چینی داشت؛

۷. انگشتی با نقش «مگس» که شاه با آن نامه‌های مربوط به داروها، غذاها و بوهای خوش (عطریات) را مَهر می‌کرد و نگین پادزهر داشت؛

۸. انگشتی با نگین مروارید که روی آن نقش گراز بود و شاه نامه‌های مربوط به محکومان به قتل و همچنین نامه‌های مربوط به خون‌بها را مَهر می‌کرد؛

۹. انگشتی آهنی که شاه هنگام استحمام به‌دست می‌کرد و نگین آن «آبزن» بود (مسعودی، ۱۳۴۵: ۱/۲۷۲-۲۷۳).

- مَهرهای نذری: این گونه مَهرها را شاه یا کاهن یا افراد عادی به یک خدا و یا معبد اهدا می‌کردند که در واقع جزو دارایی او محسوب می‌شدند.

علاوه بر آن، مَهرهای دیگری در ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دینی عصر کاربرد داشته است که نمونه‌هایی از آنها بدین قرارند: تصویر درخت مقدس که مظهر زندگی است؛ بز کوهی یا گاومیش که معمولاً در کنار درخت حک می‌شد و مظهر

فراوانی و نشانه‌رویی‌هاست؛ شاخه درخت، آن هم نمونه‌ای از درخت که مظهر زندگی است؛ هلال ماه و ستاره، مظهر آسمان و خورشید؛ کوزه آب، مظهر خدای بزرگ؛ دو شاخه دنداندار، علامت صاعقه؛ گراز، اسناد دولتی و فرمان‌های شاه (سامی، ۱۳۴۴: ۳۳؛ نفیسی، ۱۳۳۱: ۲۷ و Farrok, 2003:13). همچنین نشانه‌های دیگر مانند میز هدایا، گرز، ماهی مقدس و بسیاری از نشانه‌های دیگر که هر یک نمونه‌ای از معتقدات و توجه صاحب مَهر و پیوستگی او به این مسایل است. علاوه بر این، مَهرها دارای تصاویری چون اسب، عقاب، گوزن، ببر، قوچ، شغال، شیر، مار، گراز، گرگ، خرس، فیل، مگس و برخی از حیوانات اساطیری بوده‌اند (Farrok, 2003: 13).



(Farrok, 2003:13)

حال باید پرسید که این مَهر چگونه به دیار چین راه یافته است؟ بررسی‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که احتمالاً این مَهر از چند طریق به مرزهای چین راه یافته است؛ بعید نیست که این شی به‌عنوان اثر از دست‌رفته یکی از خانواده‌های سفیران ایرانی به آن منطقه انتقال یافته باشد، ولی نمی‌توان پذیرفت که شیئی ارزشمند که نمادی از یک معبد و پایگاه اجتماعی است، در اثر بی‌توجهی شخصی در این منطقه رها شده باشد. از دیگر سو، شاید بتوان گفت این وسیله به‌عنوان یک شیء یا کالای تجاری به این سرزمین انتقال یافته باشد؛ از این رو، وجود معابد زرتشتی و شکل‌گیری آنها در سرزمین چین و از طرفی، شکل‌گیری حکومت‌های ایرانی ساسانی بعد از حمله اعراب به ایران می‌تواند تاحدی وجود این شیء را در آن دیار توجیه کند؛ چنان‌که از محتوای این نشان برمی‌آید، احتمال دارد برای یکی از معابد زرتشتی یا متعلق به یکی از خانواده‌های روحانی زرتشتی چین باشد که در دوره تسامح مذهبی امپراتوری تانگ در آن دیار رها شده باشد.

۴. نتیجه

باتوجه به شکل، مضمون یا موضوع کتیبه، علامت رسمی، نشان و ... مهر مورد بررسی، چنین برمی آید که این مهر از دسته مهرهای شخصی، خانوادگی و مهرهای نذری بوده است که از برخی جهات با سایر مهرهای ساسانی شباهتهایی دارد. باتوجه به نمونه به دست آمده، شاید بتوان آن را از دسته مهرهای شخصی، خانوادگی و یا مهرهای نذری به حساب آورد. معمولاً این نوع مهرها با خط یا کتیبه همراه هستند؛ بررسی‌های خط‌شناسی نشان می‌دهد که خط موجود روی مهر یافت‌شده، خط پهلوی کتیبه‌ای است و حکاکان یک کلمه را سه بار به صورت دورانی روی آن حک کرده‌اند و از نظر واژه‌شناسی، این واژه یکی از واژه‌های متداول در مهرهای ساسانی است که برای بیان آرزو یا تبیین آموزه دینی به کار می‌رود که باتوجه به مفهوم آموزه‌ای آن، این حقیقت (تبیین آموزه دینی) را تأیید می‌کند. از طرف دیگر، تحلیل و تفسیرهای خط و وجود تصویر حیوانی و گیاهی به نحوی کارکرد مذهبی آن را نشان می‌دهد. همچنین، وجود شیر به عنوان نماد مهرپرستی و تقدس آن حیوان در آیین زرتشتی و همچنین وجود گل انار یا نیلوفر به عنوان نماد جاودانگی و باروری و نیز وجود واژه «آهلوداد» به معنی «پرهیز از دروغ‌گفتن و آگاه کردن نادان» و ترکیب رنگ آبی با نماد صلح و آرامش، قدرت، عشق، دوستی، صداقت، عقل و حکمت، حکایت از آن دارد که در دسته‌بندی‌های باستان‌شناسی مهرها، در رده مهرهای شخصی، خانوادگی و مهرهای نذری قرار می‌گیرد. چنان‌که اشاره شد، معمولاً این‌گونه مهرها را شاه یا کاهن یا افراد عادی به یک خدا و یا معبد یا آتشگاه اهدا می‌کردند که در واقع جزئی از دارایی آن مکان محسوب می‌شدند. بنا به دلایلی که به قوت مشخص نیست، این مهر در مرزها و متصرفات امپراتوری چین رها شده است که احتمالات زیر را درباره آن می‌توان مطرح کرد: نخست اینکه بعید نیست که این شیء با ارزش متعلق به طبقه روحانیان زرتشتی یا یکی از خانواده‌های آنان باشد که ظاهراً طی سفری به دیار چین آن را در آن حوالی از دست داده است؛ دوم اینکه این مهر متعلق به خانواده سفیران ایرانی بوده که به دیار چین راه یافته است و یا ممکن است یکی از تجار ایرانی در آن دیار آن را گم کرده باشد؛ سوم اینکه شاید این مهر به یکی از خانواده‌های ایرانی زرتشتی تعلق داشته است که بعد از فروپاشی دولت ساسانی به آن دیار رفته‌اند و با ایجاد آتشگاه‌های زرتشتی بعد از چند صباحی آن را در چین رها کرده باشند؛ چهارم اینکه شاید این مهر را مؤسسان دولت انتقالی ساسانی

چین به آتشگاهی در آن حوالی اهدا کرده و یا اینکه موبدان زرتشتی آتشگاه مقیم در دیار چین، آن را که نشان از موقعیت و جایگاهشان دارد، در آن حوالی ساخته باشند.

سپاسگزاری

جا دارد در اینجا از استاد ارجمند، جناب آقای دکتر وثوقی که تصویر این مهر نویافته را از چین آورده و برای خوانش در سال ۱۳۹۱ به بنده واگذار کرده‌اند، سپاسگزاری کنم و همچنین از استادان ارجمند آقایان دکتر زرین‌کوب، دکتر جعفری دهقی و سرکار خانم دکتر آموزگار و نیز از جناب آقای دکتر باغبیدی که در خوانش صحیح متن مهر مذکور که قریب به دو سال به درازا کشید، مرا یاری کرده‌اند، قدردانی نمایم.

منابع

- آذرگشسب، اردشیر، *آئین برگزاری جشن‌های ایران باستان*، تهران، بنیاد فرهنگ آریایی، ۱۳۴۹.
- _____ *مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان*، تهران، فروهر، ۱۳۵۸.
- آموزگار، ژاله، *تاریخ اساطیری ایران*، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
- پرادا، ایدت و دای سون، رابرت، *هنر ایران باستان (تمدن‌های پیش از اسلام)*، ترجمه یوسف مجیدزاده، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- پوپ، آرتور و فلسیس اکرم، *سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز)*، ترجمه نجف دریابندری و همکاران، جلد ۲، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.
- حکمت، علی‌اصغر، *تاریخ ادیان*، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۸.
- دوستخواه، جلیل، *اوستا کهن‌ترین سروده‌های ایرانیان*، تهران، مروارید، ۱۳۷۱.
- خالدیان، ستار، «تأثیر هنر ساسانی بر سفال دوره اسلامی»، *باستان‌پژوهی*، ش ۱۶، ۱۹-۳۰، ۱۳۸۷.
- خوردشیان، اردشیر، *پارسه (تخت جمشید)*، تهران، جامی، ۱۳۹۰.
- ده‌پهلوان، مصطفی و محمد قنواتی هندیجانی، «تأملی در برخی نقش‌مایه‌های نمادین حیوانی بر مهرها و گل‌مهرهای ساسانی (نمونه‌های مورد پژوهش: مهرها و گل‌های ساسانی موزه مقدم)»، *مطالعات باستان‌شناسی*، دوره ۷، ش ۲، پاییز ۱۲، ۴۷-۶۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
- رستم‌بیگی، سمانه، «نقش‌های مهری در نقوش تزئینی» *هنر ایران*، ش ۱۸، ۴۹-۶۷، تابستان ۱۳۹۰.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، *تاریخ مردم ایران (۱) ایران قبل از اسلام*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.
- سامی، علی، *تمدن ساسانی*، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۴۴.
- _____ *پایتخت‌های شاهنشاهان هخامنشی؛ شوش، هگمتانه، تخت جمشید*، شیراز، دانشگاه پهلوی شیراز، ۱۳۴۸.
- شهبازی، علیرضا شاپور، *راهنمای مستند تخت جمشید*، تهران، بنیاد پژوهشی پارسه-پاسارگاد، ۱۳۸۴.
- قائم‌مقامی، جهانگیر، «شیر و نقش آن در اعتقادات آریایی»، *مطالعات تاریخی*، سال سوم، ش ۱، ۹۱-۱۲۲، ۱۳۷۴.
- _____ «منشاء نقش شیر در شیر و خورشید ایران، زبان و ادبیات»، *یغما*، ش ۱۶۱، ۴۱۵-۴۲۷، آذر ۱۳۴۰.

- گردیزی، ابوسعید عبدالحی، *زین الاخبار*، به تصحیح و تحشیه و تعلیق عبدالحی حبیبی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷.
- گوبل، روبرت، *گل‌مهرهای تخت سلیمان؛ جستاری در مَهرشناسی اواخر ساسانی*، ترجمهٔ فرامرز نجد سمیعی، تهران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پایگاه پژوهشی تخت سلیمان، ۱۳۸۴.
- مبینی، مهتاب و آزاده شافعی، «نقش گیاهان اساطیری و مقدس در هنر ساسانی (با تأکید بر نقوش برجسته فلزکاری و گچ‌بری)»، *جلوه هنر*، ش ۱۴، ۶۳-۴۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
- مسعودی، ابوالحسن علی، *مروج الذهب فی المعادن الجواهر*، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، جلد ۱، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۴۵.
- مشکور، محمدجواد، *تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان*، جلد ۱، تهران، دانشسرای عالی، ۱۳۴۷.
- ملکزاده بیانی، ملکه، «مَهرها؛ وسایل شناسایی روزگاران کهن، شمه‌ای از تاریخچهٔ مَهر در ایران، نقوش مَهرها و کنده‌کاری‌ها، علت به‌وجود آمدن مَهر»، *هنر و مردم*، ش ۱۳۳، ۴۴-۵۰، آبان ۱۳۵۲.
- منتظری، سید سعیدرضا و محمدرضا نظری، «رهیافتی بر اخلاق فضیلت در دینکرد ششم»، *پژوهش‌های ایران‌شناسی*، تهران، سال ۳، ش ۲، ۱۱۳-۱۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۲.
- نفیزی، سعید، *تمدن ساسانی*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۱.
- والزر، گرلد، *نقوش اقوام شاهنشاهی هخامنشی بنا بر حجاری‌های تخت جمشید*، ترجمهٔ دوراسمودا خوبنظر و علیرضا شاپور شهبازی، شیراز، دانشگاه پهلوی شیراز، ۱۳۵۲.
- ولی، وهاب و میترا بصیری، *ادیان جهان باستان*، جلد ۳، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹.
- Bivar, A. D. H., *Catalogue of the Western Asiatic seals in the British Museum, Stamp Seals, II: The Sasanian Dynasty*, London, 1969.
- Brunner, C., *Sasanian Stamp Seals in the Metropolitan Museum of Art*, New York Metropolitan Museum of Art, 1978.
- Farrokh, K., *Sassanian Elite Cavalry, AD 224-642*, New York, Oxford, 2003.
- Frye, R. N., *Sasanian Remains from Qasr-iAbu Nasr: Seals, Sealings, and Coins*, Cambridge, Mass, 1973.
- Gignoux, P., and Gyselen, R., *Sceaux Sasanides de diverses collections privées*, Leuven, 1982.
- Gyselen, R., *Sasanian clay sealings and seals in the collection of A, Saeedi [ActaIranica 44]*, Louvain, 2007.
- Lukonin V.G., *Iran II – Des Seleucids aux Sassanides in collection of archaeological MVNDI*, Paris, 1967.
- Lukonin, V, and Ivanov, A, *Persian Art, The Lost Treasures*, New York, Parkstone Press International, 1990.
- Mitchell, T. C. and Searight, A., *Catalogue of the Western Asiatic Seals in the British Museum Stamp Seals III: Impressions of Stamp Seals on Cuneiform Tablets, Clay Bullae, and Jar Handles*, Leiden & Boston, Brill, 2008.
- Niknami, K., & Naderi, S, *Sasanian Clay Sealings in the Bandar Abbas Museum*, Oxford U.K., Bar International Series 2819, 2016.
- Schmidt, E.f., *The Treasury of Persepolis and Other Discoveries in the Homeland of the Achaemenians*, Chicago, The University of Chicago, 1939.
- Shaked, S, *The wisdom of the sasanian sages, with translate and notes*, of Dēnkard, Book Six, by Āturpāt-ī Emētān, Boulder, col1979.